

The Status of Faith-Oriented World-Building in Islamic Civilization: An Aesthetic Explanation of the Relationship between Faith and the World Based on the Theory of Existential Fitness

Mohammad Ali Mobini¹ 

Received: 2025/04/30 • Revised: 2025/06/11 • Accepted: 2025/06/12 • Available Online: 2025/10/01

Abstract

To understand the defining characteristics of Islamic civilization, it is essential to examine the correct faith-based approach to the world. Regarding the relationship between faith and the world, two distinct perspectives can be proposed: 1- The Purely Instrumental and non-valuable approach: Based on this view, the world has no inherent value or authenticity. It is merely a tool for achieving eternal salvation. World-renunciation is embedded within this perspective. 2- The authentic value-based approach: According to this perspective, the various manifestations of the world are a fundamental part of the beauty of creation. The believer is tasked with fully harmonizing with the afterlife while utilizing their God-given talents and capacities to realize the beauty of the world. This approach rejects world-renunciation and affirms faith-oriented world-

1. Assistant Professor, Department of Ethics, Institute for Islamic Philosophy and Theology, Islamic Sciences and Culture Academy, Qom, Iran. ma.mobini@isca.ac.ir

* Mobini, Mohammad Ali. (1404). The Status of Faith-Oriented World-Building in Islamic Civilization: An Aesthetic Explanation of the Relationship between Faith and the World Based on the Theory of Existential Fitness. *Philosophia et Theologia Dialogues in Criticism and Reflection*, 30(3), pp. 7-39. <https://doi.org/10.22081/jpt.2025.63562.2229>

Article Type: Research; **Publisher:** Islamic Sciences and Culture Academy, Qom, Iran

© 2025

authors retain the copyright and full publishing rights



building. The theory of existential fitness provides the theoretical foundation for this value-based approach. This research employs a descriptive-analytical methodology, utilizing the theory of existential fitness and an analysis of religious texts. The theory of existential fitness is used to elucidate this perspective, and religious teachings are employed to support it. The study concludes that in Islamic civilization, there is no place for either a worldliness that shuns the afterlife or an otherworldly focus that renounces the world. The key characteristic of an Islamic civilized society is its engagement with the world with a faith-based and eschatological orientation.

Keywords

Faith, Civilization, World-building, World-Renunciation, Worldliness, Theory of Existential Fitness.



جایگاه دنیاپردازی مؤمنانه در تمدن اسلامی؛ تبیینی زیبایی‌شناسانه از رابطه ایمان و دنیا بر اساس نظریه تناسب وجودی**

محمدعلی مبینی^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۲/۱۰ • تاریخ اصلاح: ۱۴۰۴/۰۳/۲۱ • تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۳/۲۲ • تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۴/۰۷/۰۹

چکیده

برای دستیابی به ویژگی‌های شاخص تمدن اسلامی، بررسی رویکرد ایمانی صحیح به دنیا امری لازم است. درباره رابطه ایمان و دنیا، به‌طور عمده دو رویکرد ممتاز قابل طرح است: ۱. رویکرد غیرارزشی و ابزاری صرف که بر اساس آن، دنیا هیچ ارزش و اصالتی در ذات خود ندارد و تنها ابزاری برای کسب سعادت اخروی است؛ دنیاگریزی در بطن این رویکرد نهفته است. ۲. رویکرد ارزشی اصیل که بر اساس آن جلوه‌های مختلف دنیا بخشی اساسی از زیبایی‌های آفرینش هستند و فرد مؤمن وظیفه دارد ضمن هماهنگی کامل با جهان آخرت، استعدادها و ظرفیت‌های خدادادی خود را برای تحقق بخشیدن به زیبایی‌های دنیا به کار گیرد؛ این رویکرد، دنیاگریزی را نفی، و دنیاپردازی مؤمنانه را تأیید می‌کند. نظریه تناسب وجودی

۱. دانشیار، گروه فلسفه اخلاق، پژوهشکده فلسفه و کلام اسلامی، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ایران.
ma.mobini@isca.ac.ir

* مبینی، محمدعلی. (۱۴۰۴) جایگاه دنیاپردازی مؤمنانه در تمدن اسلامی؛ تبیینی زیبایی‌شناسانه از رابطه ایمان و دنیا بر اساس نظریه تناسب وجودی. نقدونظر، ۳۰(۳)، صص ۷-۳۹.

<https://doi.org/10.22081/jpt.2025.63562.2229>

** این مقاله به سفارش همایش بین‌المللی «امت، تمدن در قرآن» نگاشته شده و با مجوز همایش نامبرده در این مجله منتشر می‌گردد.

□ نوع مقاله: پژوهشی؛ ناشر: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ایران.

© 2025

authors retain the copyright and full publishing rights



نقد و نظر

مبنای نظری این رویکرد ارزشی را فراهم می‌کند. روش این پژوهش توصیفی - تحلیلی است و با بهره‌گیری از نظریه تناسب وجودی و تحلیل متون دینی سامان یافته است، از نظریه تناسب وجودی برای تبیین این رویکرد و از آموزه‌های دینی برای تأیید آن استفاده می‌شود و این نتیجه به دست می‌آید که در تمدن اسلامی، نه دنیاگرایی آخرت‌گریز جایگاهی دارد و نه آخرت‌گرایی دنیاگریز. شاخصه مهم جامعه متمدن اسلامی پرداختن به دنیا با جهت‌گیری ایمانی و آخرتی است.

کلیدواژه‌ها

ایمان، تمدن، دنیاپرستی، دنیاگریزی، دنیاگرایی، نظریه تناسب وجودی.



مقدمه

امروزه یکی از دغدغه‌های اصلی اندیشمندان اسلامی در ایران، شناسایی ویژگی‌های تمدن اسلامی و تبیین دقیق مفاهیم مرتبط با آن است. ایمان به مثابه یکی از ارکان اساسی این تمدن، به بررسی عمیق نیازمند است. یک پرسش کلیدی در این زمینه این است که ایمان در یک جامعه اسلامی متمدن، چه ویژگی‌هایی باید داشته باشد و به‌ویژه چگونه با دنیای مادی ارتباط برقرار می‌کند. رابطه ایمان و دنیا یکی از مسائل اساسی و سرنوشت‌ساز برای جوامع دینی است. انتخاب رویکرد مناسب نسبت به دنیا می‌تواند بر مسیر پیشرفت یا عقب‌ماندگی یک جامعه تأثیرگذار باشد. بررسی دقیق نگاه اسلامی در این زمینه، برای جامعه امروزین ما با توجه به وجود حکومت دینی و داعیه ایجاد یک تمدن دینی و اسلامی، ضرورتی دوچندان دارد. بنابراین لازم است با بررسی آیات قرآن کریم و روایات حضرات معصومین (علیهم‌السلام) به نتیجه‌ای روشن درباره نسبت میان ایمان و دنیا برسیم. هدف این مقاله آن است که رویکردهای ایمانی مختلف نسبت به دنیا را از یکدیگر تشخیص دهد و رویکرد مورد تأیید اسلام را به دست آورد. اگرچه بررسی جامع این موضوع به مجالی فراتر از یک مقاله نیاز دارد، این نوشتار را می‌توان سرآغازی بر این بحث مهم به شمار آورد. در این مقاله، اقسام مختلف قابل تصور از نسبت میان ایمان و دنیا از یکدیگر جدا می‌شوند؛ دیدگاه برگزیده در قالب نظریه تناسب وجودی که یک نظریه زیبایی‌شناسانه در باب ارزش است، تبیین می‌شود؛ تفاوت‌های بنیادین یک جامعه ایمانی در قالب رویکرد برگزیده با رویکردهای دیگر آشکار می‌شود و درنهایت برخی مؤیدات دینی در نگاه اولیه برای رویکرد برگزیده، ارائه خواهد گردید. نویسنده بنا دارد در مجالی وسیع‌تر به بررسی مفصل‌تر این رویکرد از دیدگاه اسلامی بپردازد. یادآوری می‌شود که درباره رابطه ایمان و دنیا تاکنون مباحث گوناگونی ارائه شده است؛ اما تبیین زیبایی‌شناسانه این رابطه بر اساس نظریه تناسب وجودی، گامی تازه است که در این مقاله انجام خواهد شد.



نظر



۱. انواع رویکردهای ایمانی نسبت به دنیا

رابطه میان ایمان و دنیا یکی از مسائل اساسی در تفکر اسلامی است. چهار صورت قابل تصور از این رابطه، ایمان و دنیاستیزی، ایمان و دنیاگرایی، ایمان و دنیاگرایی و ایمان و دنیاپردازی است.

۱-۱. ایمان و دنیاستیزی

دنیاستیزی اشاره به تضاد و تعارض کامل میان ایمان و دنیا دارد. فرد باایمانی که دارای چنین رویکردی است به شدت مخالف دنیا و همه مظاهر آن است و دنیا را دشمن دین و ایمان خود می‌داند. او تا آنجا که ممکن است از دنیا دوری و به حداقل‌ها اکتفا می‌کند.

۲-۱. ایمان و دنیاگرایی

نقطه مقابل دنیاستیزی، دنیاگرایی (دنیامداری، دنیازدگی، دنیاطلبی) است و مراد از آن وابستگی شدید به دنیاست؛ به گونه‌ای که فردی که چنین رویکردی داشته باشد به دنیا توجه اصیل دارد و در مصاف میان ایمان و دنیا، دنیا را ترجیح می‌دهد.

۳-۱. ایمان و دنیاگرایی

رویکرد ایمانی دنیاگرای برخلاف رویکرد دنیاستیز، حالتی معتدل‌تر دارد و بیشتر با دنیا کنار می‌آید؛ در عین حال نگاهی منفی و بدبینانه به دنیا دارد و ترک دنیا را برای صعود به مراتب ایمانی بالاتر امری شایسته می‌داند.

۴-۱. ایمان و دنیاپردازی

رویکرد ایمانی دنیاپرداز، نه سرستیز با دنیا و نه نگاهی منفی و بدبینانه دارد، بلکه نگاهی مثبت به دنیا دارد و بر این باور است که دنیا و جلوه‌های گوناگون آن بخشی از زیبایی‌های آفرینش الهی است و از مسیر این زیبایی‌ها می‌توان به مراتب بالاتری از ایمان دست یافت. در این نگاه، اقتضای ایمان نه ترک دنیا بلکه پذیرش و پردازش دنیا

بر محور ایمان است. این رویکرد تفاوتی اساسی با دنیاگرایی دارد. فرد با ایمانی که رویکرد دنیاپرداز دارد، مظاهر مختلف دنیا را جلوه‌هایی از آفرینش الهی می‌داند و با محوریت ایمان با آنها برخورد می‌کند. او ضمن آنکه برای فعالیت‌های دنیوی ارزش ایمانی قائل است، وابستگی خاصی به آنها ندارد و هنگامی که ایمانش اقتضا کند به سادگی از آن می‌گذرد و برای گذشتن از دنیا در مسیر ایمان ارزش قائل است.

اصطلاح «دنیاپردازی مؤمنانه» برای این رویکرد به کار گرفته می‌شود و به معنای طراحی دنیایی است که بر اساس اصول، ارزش‌ها و باورهای دینی و ایمانی شکل گرفته باشد. در این دنیا، همه فعالیت‌های انسانی، از جمله کار، روابط اجتماعی، سیاست، اقتصاد و حتی تعامل با طبیعت بر اساس اصول ایمانی تنظیم می‌شوند و فرد یا جامعه تلاش می‌کند تا همه جنبه‌های زندگی خود را با ایمان به خداوند هماهنگ سازد. دنیاپردازی مؤمنانه به جای بی‌ارزش دانستن امور دنیوی، آنها را در چارچوب معنویت تعریف می‌کند. در این نوع دنیاپردازی، هویت‌های مختلف فردی، جمعی و جهانی با هویت دینی همسو می‌شوند و به یکدیگر معنا می‌بخشند؛ برای مثال دفاع از وطن، کمک به خانواده و حفاظت از محیط زیست آنگاه که با مقاصد ایمانی انجام شوند، جزئی از دین‌داری است. این نوع دنیاپردازی مستلزم وجود ساختارهای اجتماعی، فرهنگی و سیاسی است که بتوانند اصول دینی را در زندگی عمومی جامعه پیاده کنند.

۲. مردود بودن دنیاستیزی و دنیاگرایی در اسلام

دنیاستیزی و دنیاگرایی به مثابه دو رویکرد افراطی، با آیات و روایات اسلامی قابل تأیید نیستند. البته در تاریخ اسلام افراد یا گروه‌هایی بوده‌اند که روحیه ستیزه‌جویانه با دنیا داشته‌اند؛ چنان‌که در ادیان و مذاهب دیگر هم مانند مسیحیت و بودایی این رویکردهای رهبانی و تقابل با دنیا وجود دارد. در دنیای اسلام، تقابل برخی عارفان و صوفیان با دنیا، نمونه‌ای گویا از رویکرد دنیاستیزانه آنان است. این رویکرد در برخی از متون عرفانی، مانند آثار عطار نیشابوری ملاحظه می‌شود (محرمی و میرزایی، ۲۰۱۸). در تذکرةالاولیای عطار از دنیاستیزی برخی عرفا سخن به میان آمده است (عطار نیشابوری، ۲۰۱۸). از جمله «در ذکر





بایزید آمده که او از کودکی عبادت کرده و بعد از چهل سال ریاضت برای اینکه پوستینی از دنیا با وی همراه بود، به بارگاه الهی راه داده نشد» (باقرزاده خیای و دیگران، ۲۰۲۲، ص ۳۸۵). باین حال، اسلام این نوع نگرش را تأیید نمی کند و بر آبادانی دنیا و استفاده از نعمت های آن تأکید دارد. آیاتی از قرآن کریم، نظیر «وَلَا تَنْسَ نَصِيكَ مِنَ الدُّنْيَا؛ و سهم خود را از دنیا فراموش مکن» (قصص، ۷۷) و «قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَ الطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ؛ [ای پیامبر] بگو زیورهایی را که خدا برای بندگانش پدید آورده و [نیز] روزی های پاکیزه را چه کسی حرام گردانیده» (اعراف، ۳۲) را می توان حاکی از نفی دنیاستیزی از منظر قرآن کریم دانست.

دنیاگرایی هم از منظر قرآن کریم و آموزه های اسلامی به شدت مذموم و مخالف روح ایمان شمرده شده است. آیات و روایات زیادی وجود دارند که دل بستن به دنیا و ترجیح آن بر آخرت را نهی کرده و آن را سبب شقاوت و بدبختی انسان دانسته اند. خداوند نزول عذاب بر اهل کفر را به جهت این می داند که زندگی دنیا را بر آخرت برگزیدند: «ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ اسْتَحَبُّوا الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ وَأَنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ؛ این [خشم و عذاب بزرگ] به سبب آن است که زندگی دنیا [ی زودگذر] را بر آخرت ترجیح دادند، و مسلماً خدا مردم کفرپیشه را هدایت نمی کند» (نحل، ۱۰۷). امام حسین (علیه السلام) در وصف برخی از مردم می فرماید: «به راستی که مردم بنده دنیایند و دین بر زبانشان می چرخد و تا وقتی زندگی هاشان بر محور دین بگردد، در پی آنند؛ اما وقتی به وسیله «بلا» آزموده شوند، دین داران اندک می شوند» (ابن شعبه، ۲۰۰۳، ص ۲۴۵).

۳. چالش میان دنیاگریزی و دنیاپردازی

بررسی دیدگاه اسلام درباره دو رویکرد دنیاستیزی و دنیاگرایی چندان دشوار نیست و به آسانی می توان نگاه منفی اسلام به آنها را به دست آورد؛ اما درباره دنیاگریزی و دنیاپردازی مسئله به این سادگی نیست و برای یافتن دیدگاه اسلام در مورد آن دو، به تأمل و دقت بیشتری نیاز است. بخش قابل توجهی از جامعه ایمانی میان دنیاپردازی و دنیاگرایی تفاوتی نمی بینند و از این رو نفی دنیاگرایی در اسلام را با نفی دنیاپردازی یکی

دانسته‌اند و در نتیجه به‌سوی دنیاگریزی گرایش دارند؛ این در حالی است که با دقت بیشتر می‌توان میان این مفاهیم، تمایز نهاد و خوانشی عمیق‌تر از آیات و روایات داشت. مروری کوتاه بر تجربه زیسته جامعه ایمانی خودمان به بازشناسی این رویکردها از یکدیگر کمک شایانی می‌کند. دورانی که به وقوع انقلاب اسلامی در ایران منجر شد، دورانی بود که بشر شاهد پیشرفت‌های گوناگونی در فناوری و اختراعات گوناگون بود و هر زمان وسایل جدیدی وارد زندگی بشر می‌شد. مواجهه جامعه مؤمنان در ایران با وسایل جدید به دو شکل متفاوت بود. یک رویکرد حاکم در میان افراد باایمان، مقابله با وسایل جدید و نپذیرفتن آنها بود. این‌گونه افراد مانند برخی عرفا و پشمینه‌پوشان دنیاستیز نبودند که به کل از دنیا فاصله گرفته باشند و در عزلت کامل به سر برند. باین‌حال، نگاهی منفی و بدبینانه به مظاهر جدید دنیا داشتند و از آن پرهیز می‌کردند. در مقابل، برخی دیگر از متدینان به راحتی با این وسایل جدید کنار می‌آمدند و پذیرای آنها بودند. هیچکدام از این دو گروه، دنیاگرا نبودند که دنیا را مقدم بر دین و آخرت قرار دهند، بلکه برخوردشان با دنیا بر محور ایمان و نوع قرائتشان از دین شکل گرفته بود.

استاد مطهری در مباحثش، به این دو رویکرد ایمانی در دوران خود اشاره کرده است و اختلاف آن دو را در مواجهه با فناوری‌های جدید بیان می‌کند؛ رویکردی که نسبت به اختراعات جدید از قبیل ضبط صوت و صنعت فیلم روی خوش نشان نمی‌داد و بلندگو را بوق شیطان می‌نامید، و رویکردی که استفاده از این وسایل را در جهت اهداف دینی و الهی، مجاز بلکه ضروری می‌دانست (مطهری، ۲۰۰۲، صص ۱۱۹-۱۲۰). گفته می‌شود حتی زمانی استفاده از چتر، مخالف‌های جدی داشت و قشرهای مذهبی جرئت نمی‌کردند از آن استفاده کنند، یا گوش دادن به رادیو و خواندن روزنامه در برخی مراکز دینی امری مکروه و مذموم بود. این گفته کنایه آمیز بر سر برخی زبان‌ها جاری بود که استفاده از وسایل جدید از قبیل یخچال، اجاق گاز و غیره در ابتدا حرام، سپس مکروه، پس از آن مباح، در ادامه مستحب و سرانجام واجب می‌شود. اینها همگی حاکی از روحیه دنیاگریزی جامعه متدینان در آن دوران است که به‌سختی مظاهر جدید دنیا را می‌پذیرفتند و به‌مرور زیر بار آن می‌رفتند.





در مقابل این رویکرد، طیفی از متدینان و مذهبی‌ها وجود داشتند که پذیرای تحولات جدید بودند و از آنها برای پیشبرد اهداف دینی و الهی خود استفاده می‌کردند. ورود دانش‌های روز به حوزه‌های علمیه و آشناسازی طلاب با مسائل اجتماعی روز توسط این دسته از روحانیان صورت گرفت و می‌توان گفت به‌روزر بودن آنها و اقدامات متناسب با تحولات جاری زمینه‌های انقلاب اسلامی در ایران را فراهم ساخت. باین حال، آن رویکرد دنیاگريزانه پس از انقلاب نیز کم‌وبیش در بین متدینان و برخی انقلابی‌ها وجود داشت و همچنان با مظاهر جدید دنیا ناسازگار بودند.

با گذشت عمر انقلاب به تدریج این رویکرد دنیاگريزانه کم‌رنگ‌تر شده است. سیر تحولات علمی و ورود فناوری‌های جدید به چرخه زندگی آنقدر سرعت دارد که دیگر جای تأمل و تردید در پذیرش آنها باقی نگذاشته است. نسبت به مظاهر ملی هم در میان خانواده‌های مذهبی رویکرد مثبتی پیدا شده و انجام برخی آداب و رسوم در مناسبت‌های ملی، مانند عید نوروز و شب یلدا در این خانواده‌ها گسترش یافته است؛ اما همچنان سطوحی از دنیاگريزی در افکار و رفتار برخی متدینان و انقلابیون وجود دارد که تبعات خاص خود را در پی داشته است؛ برای مثال بسیاری از خانواده‌های مذهبی از حضور در مراکز تفریحی یا هنری، حتی در صورت سازگاری با احکام شرعی، ابا دارند، یا بسیاری از کسانی که روحیه دینی و ایمانی قوی دارند، کمتر به فعالیت‌های اقتصادی بزرگ می‌پردازند و آن را نوعی اقبال به دنیا و دور شدن از آخرت تلقی می‌کنند.

اکنون با توجه به اینکه هر دو رویکرد دنیاگريزی و دنیاپردازی، از نوع قرائت و برداشت از دین متأثر است، باید به پرسش‌های مهمی پاسخ داد، از جمله اینکه هر کدام از این رویکردها چه پیامدهایی در نوع زندگی فردی و اجتماعی متدینان دارد و چه تفاوت‌هایی را ایجاد می‌کند. دلیل این دو نوع برداشت مختلف از دین چیست. کدام رویکرد پشتوانه دینی قوی‌تری دارد و سزاوار است در مسیر ایجاد تمدن اسلامی از آن دفاع کرد و چه پشتوانه نظری برای رویکرد برگزیده وجود دارد.

۴. تبیین زیبایی‌شناسانه دنیابردازی مؤمنانه بر اساس نظریه تناسب وجودی

به نظر می‌رسد چگونگی تعامل میان ایمان و دنیا در جامعه ایمانی ما فاقد یک پشتوانه نظری پذیرفتنی است و فعالیت‌های دنیوی انسان پیوند وثیقی با ایمان دینی ندارند. دفاع نظری‌ای که تاکنون از دنیا به عمل آمده است، دفاعی ابزاری بوده است؛ به این معنا که از منظر ایمانی مطلوب بودن دنیا تنها از جهت ابزار بودن آن برای آخرت است. استفاده از دنیا تا زمانی پسندیده است که بتوان با آن آخرت خود را آباد کرد؛ و گرنه اقتضای ایمان، دوری از آن است. باید گفت نگاه ابزاری به دنیا به طور فی‌الجمله قابل دفاع است و از آیات و روایات زیادی هم می‌توان آن را برداشت کرد. به هر حال، حضور ما در دنیا موقتی است و زندگی جاوید ما در آخرت رقم می‌خورد. بنابراین هر جا که بتوان از دنیا به مثابه وسیله‌ای برای تأمین سعادت اخروی استفاده کرد، عقل حکم می‌کند که از فرصت استفاده کنیم و چنین بهره‌ای را ببریم.

با وجود این، باید میان دو نوع نگاه ابزاری تفاوت گذاشت: نگاه ابزاری ارزشی، و نگاه ابزاری غیرارزشی. نگاه ابزاری غیرارزشی به این معنا است که چیزی ذاتاً برای ما هیچ ارزشی ندارد و فقط وسیله‌ای است برای رسیدن به چیز با ارزش دیگری؛ برای مثال زباله‌های بازیافتی مانند کاغذپاره‌ها ذاتاً برای ما هیچ ارزشی ندارند، جز اینکه ممکن است ما را به چیز با ارزش دیگری برسانند. کسی که دنبال جمع کردن کاغذپاره‌هاست هدفش تنها این است که در قبال تحویل آنها پولی دریافت کند که برایش ارزشمند است؛ و گرنه خود آن زباله‌ها برای او ارزشی ندارند. اما نگاه ابزاری ارزشی این است که یک چیز، خودش ذاتاً ارزش دارد و چون ارزش دارد می‌تواند ما را به ارزش‌های دیگر هم برساند؛ برای مثال برگه کاغذی که روی آن نقاشی بسیار هنرمندانه‌ای کشیده شده باشد، خودش ارزشمند است و به جهت همین ارزش هنری‌اش، با فروش آن می‌توان مبلغ قابل توجهی را هم دریافت کرد؛ یعنی هم خودش ارزش دارد و هم به جهت این ارزشش وسیله‌ای می‌شود برای رسیدن به چیز با ارزش دیگری.

حال، دنیا چگونه است؟ آیا مانند مثال اول، هیچ ارزش درونی ندارد و مثل همان زباله بازیافتی است که ارزشش فقط به این است که ما را به آخرت خوش می‌رساند؟ یا





مانند مثال دوم، دنیا ذاتاً زیبا و باارزش است و از مسیر همین زیبایی و ارزشمندیِ دنیاست که با آن می‌توان به آخرت خوش و زیبا رسید؟ اگر گزینهٔ اول را برگزینیم، آنگاه ارزش دنیا ارزش ابزاری صرف می‌شود و در درونش زیبایی و ارزش خاصی ملاحظه نمی‌شود، و اگر قائل به گزینهٔ دوم شویم، برای دنیا ارزش قائل می‌شویم و همین ارزشمندی‌اش می‌تواند سبب ارزش‌های آخرتی شود.

به نظر می‌رسد نگاه حاکم به دنیا در جامعهٔ دینی کنونی ما نگاه ابزاری غیرارزشی است و از این رو است که هرچند بسیاری از اهل دیانت و انقلاب، پذیرش بسیار بیشتری نسبت به مظاهر دنیوی پیدا کرده‌اند و آنها را در مسیر تحقق اهداف الهی می‌دانند، همچنان دارای روحیهٔ دنیاگریز هستند و نگاهی منفی و غیرارزشی به بسیاری از پدیده‌های موجود دارند. اگر نگاه ما به دنیا یک نگاه ابزاری صرف و غیرارزشی باشد، آنگاه چالشی جدی برای دنیاپردازی مؤمنانه به وجود می‌آید و درواقع، این نگاه انحصاری در حاق خود، رویکرد دنیاگريزانه را ترویج می‌کند.

اکنون پرسش مهم این است: آیا نظریه‌ای غیر از نگاه ابزاری غیرارزشی می‌تواند به مثابهٔ عقبهٔ نظری رویکرد دنیاپرداز مطرح شود؟ آیا می‌توان نگاه ابزاری ارزشی به دنیا داشت، به گونه‌ای که تعامل با دنیا ارزشی درونی داشته باشد و از مسیر همین ارزش درونی بتوان به ارزش‌های آخرت رسید؟ در این مقاله ادعا می‌شود که نظریهٔ تناسب وجودی دارای چنین ظرفیتی است و می‌تواند تبیینی ارزشی و در عین حال ابزاری از دنیا ارائه دهد. این تبیین رویکرد دنیاپرداز را به گونه‌ای معرفی می‌کند که سبب تفاوت اساسی آن با رویکرد دنیاگریز می‌شود.

نظریهٔ تناسب وجودی که پیش از این توسط نگارنده در کتاب و مقالاتی چند ارائه شده است، نظریه‌ای در باب ارزش اخلاقی است که به مقابله با نگاه ابزاری صرف و پیامدگرا در اخلاق پرداخته است و از ارزش درونی امور اخلاقی دفاع می‌کند؛ در عین حال به محوریت نقش خدا در اخلاق قائل است و اخلاق بدون خدا را در جهان‌بینی توحیدی قابل طرح نمی‌داند. همچنین این نظریه ارزش اخلاقی را از سنخ ارزش‌های زیبایی‌شناسانه می‌داند و از این رو به تبیینی همسو با زیبایی‌های غیراخلاقی برای اخلاق

روی می آورد. توضیح و تفصیل این نظریه در آثار دیگر نویسنده آمده است (نک: مبینی، ۲۰۱۳ و ۲۰۲۰). در اینجا تلاش می شود در حد ضرورت، بیانی از نظریه به عمل آید و چگونگی کاربرد آن برای تبیین رویکرد دنیاپردازی نشان داده شود.

در نظریه تناسب وجودی، مقوله زیبایی بسیار اهمیت دارد و مبنایی اساسی برای آفرینش جهان هستی شمرده می شود. خداوند، خودش زیباست، زیبایی را دوست دارد و هر چه می آفریند را زیبا می آفریند. خداوند همچنین دوست دارد که بنده هایش نیز جلوه گر زیبایی باشند. حضرت علی (علیه السلام) می فرماید: «خداوند زیباست، زیبایی را دوست دارد و دوست دارد که اثر نعمت خود را در بنده اش ببیند» (کلینی، ۱۹۸۴، ج ۶، ص ۴۳۸). زیبایی تنها منحصر در زیبایی های محسوس نیست، بلکه تمام قلمروی هستی را در بر می گیرد. علامه جعفری در موردی، زیبایی را به چهار قسم اساسی زیبایی طبیعی محسوس (زیبایی یک منظره، صدا، ...)، زیبایی طبیعی نامحسوس (زیبایی آزادی، علم، ...)، زیبایی معقول ارزشی (زیبایی عدالت، عفت، شجاعت و دیگر وارستگی های روحی) و زیبایی یا جمال مطلق که همان زیبایی خداوند و بالاتر از همه زیبایی هاست، تقسیم می کند (جعفری، ۲۰۲۲، صص ۲۷۹-۲۸۱). نظریه تناسب وجودی از این جهت قابل مقایسه با دیدگاه علامه جعفری است که دایره زیبایی را بسیار گسترده می گیرد و قائل به زیبایی محسوس و زیبایی معقول است (مبینی، ۲۰۲۴).

در نظریه تناسب وجودی ادعا می شود که رابطه انسان با خود و دیگران در صورتی زیبا و دارای ارزش است که به تناسب وجودی منجر شود. تناسب وجودی به این معنا است که هر وجودی در جایگاه مقرر شده خودش قرار گیرد و ضمن آنکه نقش وجودی خود را ایفا می کند، در رابطه ای هماهنگ با وجودهای دیگر، پذیرای نقش آنها باشد. خداوند متعال در نظام آفرینش به هر موجودی نقش خاصی داده است؛ به گونه ای که اگر هر موجودی نقش وجودی خود را ایفا کند، همه موجودات در رابطه ای متناسب و هماهنگ با یکدیگر قرار می گیرند و جهانی زیبا پدید می آید. خداوند این مهم را در جهان آفرینش به بهترین نحو انجام داده و جهان را در غایت زیبایی آفریده است؛ با این حال، موجوداتی مختار و انتخاب گر را هم آفریده و بخشی از





زیباسازی جهان را به عهده آنها گذاشته است. اصل اینکه خداوند کنار موجودات غیرمختار، موجوداتی مختار آفریده، زیباست و اگر آنها را نیافریده بود، زیبایی جهان کامل نبود. اکنون که خداوند موجوداتی مختار و به طور خاص انسان را آفریده و قسمتی از زیباسازی جهان به عهده چنین موجودات مختاری نهاده است، انسان وظیفه دارد که همه اقداماتی که انجام می دهد در راستای زیباسازی خود و جهان اطرافش باشد. این زیبایی ها می تواند زیبایی های جسمانی، روحی، اخلاقی، معنوی و غیره باشد. برای ایجاد این زیبایی ها باید هر عملی که انجام می گیرد به تناسب وجودی میان موجودات منجر شود؛ به گونه ای که هر وجودی در جایگاه وجودی خودش قرار گیرد. نکته قابل توجه در اینجا این است که انسان برای اینکه به تناسب وجودی فراگیر برسد و بتواند اقدامی انجام دهد که متناسب با مجموعه کل هستی باشد، لازم است در انجام هر عملی رابطه متناسب خود را با خدا به مثابه خالق و مالک مطلق جهان هستی لحاظ کند. انسان نمی تواند تضمین کند که عملی که انجام داده است در تناسب با مجموعه هستی است، مگر آنکه قبل از آن، رابطه ای متناسب با خدا برقرار کرده باشد و از طریق خدا، به تضمینی برای اقدام خود دست یابد؛ زیرا خداوند عالم و قادر و خیرخواه مطلق است و اوست که می داند چه نوع اقدامی از سوی انسان متناسب با مجموعه آفرینش است و اوست که می تواند اقدامات انسان را به گونه ای هدایت کند که متناسب با این مجموعه شود. با این حساب، نظریه تناسب وجودی در فضای جهان بینی الهی یک نظریه خدامحور است و برقراری ارتباط متناسب با خدا را تضمینی برای رسیدن به هر گونه تناسبی دیگر می داند.

این نگاه ارزشی به جهان با نگاه ابزاری غیرارزشی بسیار تفاوت می کند. در این نگاه، دنیا و همه مظاهر آن جلوه هایی از آفرینش زیبای الهی دانسته می شود و همگی دارای ارزش اند. انسان با همه ظرفیت ها و توانمندی هایی که در وجودش نهاده شده است، جزئی اساسی از نظام آفرینش است. خداوند مقدر فرموده است که بخش مهمی از نظام آفرینش از مسیر انسان تجلی یابد. بنابراین هنگامی که توانایی های خود را به کار می گیرد و برای مثال با به کارگیری هوش و استعداد خود، آگاهی ها و علوم جدیدی

دربارهٔ اسرار آفرینش پیدا می‌کند یا با به‌کارگیری مهارت‌های خدادادی خود، مصنوعات جدیدی تولید می‌کند و یا با به‌کارگیری هنر خود، زیبایی‌های جدیدی خلق می‌کند، اینها تنها برای این نیستند که سبب پاداش اخروی ما شوند، بلکه خودشان جزء اهداف دستگاه آفرینش هستند و اگر این اهداف تحقق نیابند، نظام آفرینش ناقص می‌ماند و زیبایی جهان کامل نمی‌شود. زیبایی جهان در صورتی کامل می‌شود که انسان متناسب با برنامهٔ آفرینش در جایگاه وجودی خود قرار گیرد و نقش وجودی خود را در جهان ایفا کند. نقش وجودی انسان‌ها با یکدیگر تفاوت می‌کند و هر انسانی دارای ظرفیت‌ها و توانمندی‌های خاصی است؛ اگر هر کس از استعدادها و توانمندی‌های خدادادی خود استفاده کند، آنگاه جلوه‌های گوناگونی از زیبایی آفرینش به ظهور می‌رسد.

در نگاه ابزاری غیرارزشی، انسان مؤمن هنگامی که در این دنیا مشغول فعالیت می‌شود، ارزشی جز ارزش ابزاری برای کار خود قائل نیست؛ انگیزهٔ او از انجام کار فقط این است که به پاداش اخروی برسد، مانند کسی که به جمع‌آوری زباله‌های بازیافتی می‌پردازد و هیچ ارزشی در آن نمی‌بیند و انگیزه‌اش از این کار، تنها رسیدن به پاداشی است که در قبال آن پرداخت می‌کنند؛ اما در نگاه ارزشی، فعالیتی که فرد مؤمن در این دنیا انجام می‌دهد افزون بر ارزش ابزاری، ارزش و زیبایی ذاتی هم دارد. بر این اساس، انگیزهٔ انسان برای انجام کار تنها این نیست که به پاداش اخروی برسد، بلکه زیبایی ذاتی آن هم برای او انگیزه‌بخش است، مانند هنرمندی که در حال کشیدن نقاشی زیبایی است و می‌داند قرار است به ازای آن، مبلغ قابل توجهی به او بدهند؛ با این حال، علاقهٔ این هنرمند به انجام کار تنها به دلیل پاداش این کار نیست، بلکه خود کار هم برایش ارزش دارد و به آن علاقه می‌ورزد. بسیار تفاوت است میان کسی که علاقهٔ ذاتی به انجام کارش دارد و کسی که هیچ علاقهٔ ذاتی به کار ندارد و فقط برای دریافت مزد کار انجام می‌دهد.

اگر ما این نگاه ارزشی به فعالیت‌های دنیوی داشته باشیم، آنگاه دنیاپردازی به معنای واقعی کلمه اتفاق می‌افتد؛ اما اگر نگاه غیرارزشی داشته باشیم، هر مقدار هم نگاه ابزاری





خود را توسعه دهیم، همچنان در دنیاگریزی باقی می‌مانیم و نمی‌توانیم از آن خارج شویم؛ زیرا برای فعالیت‌های دنیوی هیچ ارزش ذاتی قائل نیستیم و اگر به فعالیتی دنیوی مشغول می‌شویم، با اکراه و تنها به جهت منافع اخروی آن است. تفاوت دنیاگریزی و دنیاپردازی را می‌توان به این صورت بیان کرد که در رویکرد دنیاگریز اصل بر ترک دنیا است، مگر آنکه راهی برای رسیدن به منفعت اخروی باشد؛ ولی در رویکرد دنیاپرداز، اصل بر انجام فعالیت‌های دنیوی به مثابه یک وظیفه ایمانی است، مگر آنکه مانعی برای رسیدن به سعادت اخروی باشد.

۵. تفاوت میان دنیاپردازی، دنیاگریزی و دنیاگرایی بر مبنای نظریه تناسب وجودی

چنان‌که بیان شد، دنیاپردازی به معنای واقعی آن بر مبنای نگاه ارزشی به جهان شکل می‌گیرد و این‌گونه دنیاپردازی دیگر دنیاگریزی را در خود به همراه ندارد. دنیاپردازی در این نگاه، هم با دنیاگریزی تفاوتی اساسی دارد و هم با دنیاگرایی. اکنون برای بررسی دیدگاه اسلام و اتخاذ رویکرد صحیح، لازم است تفاوت میان این رویکردها به‌طور واضح مشخص شود. عدم تشخیص صحیح می‌تواند به قضاوت ناصحیح درباره آنها منجر گردد.

برای آشکارشدن تفاوت میان دنیاپردازی و دنیاگریزی، خوب است تصویری از جامعه متمدن اسلامی ایدئال از هریک از این دو منظر ارائه شود. فرض کنیم همه مردم در کل جهان به درجات بالای ایمان رسیده‌اند و دیگر از مشکلات اخلاقی و معنوی و اختلافات دینی و مذهبی موجود خبری نیست، و تمدن اسلامی در سراسر جهان به گونه‌ای مطلوب شکل گرفته است، همه مردم به دین اسلام گرویده‌اند و نه تنها در اعتقاد بلکه در عمل هم پایبندی کامل به دستورات اسلامی دارند. افزون بر این، فرض می‌کنیم رویکرد مورد تأیید اسلام نسبت به دنیا رویکرد دنیاگريزانه است و همه مردم در سطح جهان دارای ایمان دنیاگريز هستند؛ اکنون پرسش این است که دنیا در چنین جامعه ایمانی متمدن چه وضعیتی دارد.

در پاسخ باید گفت دنیا در جامعه ایمانی مفروض، بسیار متفاوت از دنیای امروز

است. در چنین دنیایی همه مردم دغدغه آخرت دارند؛ به فعالیت‌های دنیایی کاملاً بی‌رغبت هستند؛ زندگی‌ها کاملاً ساده و بی‌آلایش‌اند؛ مساجد و مراکز دینی پر از جمعیت است و مردم در بسیاری از اوقات در حال موعظه‌شنیدن و موعظه کردن هستند؛ احساسات معنوی مردم بسیار بالا است؛ همه، مشتاق عبادت هستند و انواع و اقسام عبادات در میان مردم رواج دارد؛ آنها کمتر به فعالیت‌های دنیایی مشغول‌اند و تنها در حد ضرورت به آن می‌پردازند؛ علاقه چندانی به اختراع وسایل جدید وجود ندارد و پرداختن به این مسائل را سبب تلف شدن عمر و عقب ماندن از ارتباط با حضرت حق می‌دانند؛ معتقدند که همین داشته‌ها نیز برای آنها کفایت می‌کند و دلیلی برای حرکت به سوی وسایل رفاهی بیشتر ضرورتی ندارد؛ زیرا این دنیا دنیایی موقت و گذراست و انسان باید به جای پرداختن به این مسائل دنیوی، وقت خود را صرف پرورش روح و ارتقا به درجات بالاتر معنوی کند. در چنین جامعه‌ای نشانه‌ای از فعالیت‌های تولیدی و اقتصادی بزرگ نیست؛ همه مردم به حداقل‌ها قانع هستند؛ زهد و ترک دنیا و خلوت‌نشینی در میان همه مردم رواج دارد؛ خبری از مراکز تفریحی و پارک‌های شادی و بازی نیست؛ کسی انگیزه‌ای برای ایجاد مجموعه‌های شاد و متنوع ندارد؛ حتی از تنوع ورزش‌ها هیچ خبری نیست و از ورزش‌ها تنها چند ورزش، مانند شنا و اسب‌سواری و مانند آن که در روایات به آن توصیه شده است، رواج دارد و بقیه ورزش‌ها، مانند فوتبال و والیبال و بسکتبال و ژیمناستیک و شطرنج و بسیاری دیگر، مصداق سرگرمی باطل و مایه تلف شدن عمر دانسته می‌شود؛ از نظر هنری نیز تنوعات هنری چندانی وجود ندارد و بسیاری از هنرها جزء سرگرمی‌های باطل دنیا دانسته می‌شود. هنر خوانندگی در آوازه‌های مذهبی، و هنر نمایشی در نمایش‌های مذهبی خلاصه می‌شود. به‌طور خلاصه، دنیا در جامعه ایمانی دنیاگرای بسیار ساده و بی‌آلایش است؛ روحیه ترک دنیا بر جامعه مستولی است و اثری از تنوعات دنیای فعلی در آن مشاهده نمی‌شود.

تفاوت جامعه ایمانی دنیاگرایز با جامعه مادی دنیاگرا کاملاً روشن است و برای تصویر جامعه دنیاگرایز به تلاش جداگانه ندارد. جامعه جهانی امروزی ما بیشترین نشانه‌های دنیاگرایی را با خود دارد و اکثر قریب به اتفاق جوامع امروزی بر پایه رویکرد





دنیاکرایی شکل گرفته‌اند و دارای شاخصه‌های دنیاکرایی هستند. ادعای مهم مقاله تفاوت بنیادین جامعه ایمانی دنیاپرداز با جامعه دنیاگرا از یک‌سو، و جامعه ایمانی دنیاگرایز از سوی دیگر است؛ از این‌رو لازم است تصویری روشن از جامعه ایمانی دنیاپرداز ارائه شود تا تفاوت ماهوی چنین جامعه‌ای با دو جامعه دیگر یعنی جامعه دنیاگرایز و دنیاگرا آشکار گردد.

با فرض اینکه جامعه جهانی به بلوغ ایمانی کامل رسیده باشد و رویکرد دنیاپرداز را به مثابه رویکرد مورد تأیید اسلام پذیرفته باشد، از لحاظ معنوی شباهت زیادی با جامعه ایمانی دنیاگرایز دارد؛ زیرا در جامعه ایمانی دنیاپرداز نیز مردم به شدت دغدغه‌های دینی و ایمانی دارند و همواره برای انجام عبادات و تقرب به خدا در تکاپو هستند. از لحاظ مادی نیز میان جامعه دنیاپرداز و دنیاگرا شباهت قابل توجهی وجود دارد؛ در جامعه دنیاپرداز هم انواع و اقسام تحولات و پیشرفت‌های مادی وجود دارد. آن چیزی که سبب تفاوت جامعه دنیاپرداز با دو جامعه دیگر می‌شود این است که نگاه معنوی و ایمانی مردم در چنین جامعه‌ای با نگاه جامعه دنیاگرایز تفاوتی جدی دارد. افراد باایمان در جامعه دنیاپرداز یکی از وظایف مهم ایمانی خود را آبادانی دنیا و به فعلیت رساندن ظرفیت‌های بالقوه خود می‌دانند؛ از این‌رو آنها کاملاً با اهداف ایمانی به فعالیت‌های دنیوی می‌پردازند. ترکیب ایمان و دنیا در چنین جامعه‌ای شکلی خاص و منحصر به فرد از دنیا ایجاد می‌کند. انجام فعالیت‌های دنیوی با مقاصد ایمانی، هم سبب تفاوت این جامعه با جامعه دنیاگرایز می‌شود که به فعالیت‌های دنیوی رغبت چندانی نشان نمی‌دهند و هم سبب تفاوت با جامعه دنیاگرا می‌شود که در انجام فعالیت‌های دنیوی فاقد مقاصد ایمانی هستند.

در جامعه دنیاپرداز ضمن آنکه مساجد و مراکز دینی به شدت پررونق هستند، مردم برای انواع و اقسام فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، علمی، هنری، ورزشی و نظیر آن، متناسب با ظرفیت خدادادی خود ارزش قائل‌اند. هر کس به دنبال کشف و شکوفایی استعدادهای خود است و به فعلیت رساندن توانمندی‌های نهفته خود را وظیفه ایمانی خود می‌داند. در چنین جامعه‌ای هر فرد معتقد است که باید در جایگاه وجودی

خود قرار گیرد؛ افراد دغدغه دارند که جایگاه وجودی متناسب خود را بیابند تا هم در جای خود قرار گیرند و هم جای دیگری را به ناحق نگیرند. آنها معتقدند اگر همه افراد چنین کنند، آنگاه جامعه به تناسب و زیبایی می‌رسد. بنابراین انزوا و گوشه‌نشینی در چنین جامعه‌ای مطرود و ناپسند است؛ زیرا اعتقاد بر این است که هر عضوی از جامعه اگر از نقشی که خدا به او داده است، جا بماند، سبب نقص در بخشی از برنامه آفرینش است و به زیبایی مجموعه لطمه می‌زند.

از منظری دیگر، خداوند جامع همه کمالات در بالاترین سطح است و با آفرینش موجودی مختار به نام انسان از او خواسته است که متناسب با نوع آفرینشش بخشی از آن کمالات را در سطحی نازل به نمایش بگذارد. اکنون هر انسانی موظف است ظرفیت‌هایی را که خداوند به او عطا کرده است به درستی بشناسد و آنها را به فعلیت برساند. انسان به منصب جانشینی خداوند روی زمین مفتخر شده است و این جانشینی در صورتی تحقق می‌یابد که بتواند متناسب با برنامه آفرینش خود، بخشی از کمالات الهی را در عالم انسانی تجلی بخشد. هنگامی که این گونه نگاه و قصد و نیتی در پس انجام هر فعالیت دنیوی قرار گیرد، هویتی ایمانی و الهی به این فعالیت‌ها می‌دهد و سبب تمایز اساسی آن با فعالیت‌های مادی گرایانه دنیا‌مدار می‌شود. جامعه ایمانی دنیا‌پرداز، نه دنیا‌گرای دین‌گریز است و نه دین‌گرای دنیا‌گریز، بلکه دنیا را با منظر و گرایشی الهی و دینی پذیرفته است. این گونه ادغام دنیا در دین و پرداختن به دنیا بر محور دین، هویتی جدید و منحصر به فرد برای جامعه ایجاد می‌کند.

برای اینکه تصویر بهتری از چنین جامعه‌ای به دست آید و تمایز آن با غیرخودش بهتر درک شود، خوب است به برخی نمونه‌های عینی آن در دنیای فعلی توجه شود. تجربه دفاع مقدس در دوران جنگ تحمیلی میان ایران و رژیم بعث عراق، نمونه عینی گویا از این دست است. بخشی از کسانی که در آن دوران به جبهه اعزام می‌شدند به‌مثابه نیروی رزمی سلاح به دست می‌گرفتند و در خطوط مقدم به نبرد مشغول بودند؛ اما بخش زیادی از نیروهای اعزامی نیز به‌مثابه نیروهای تدارکاتی در پشت خطوط مقدم مشغول به خدمت می‌شدند. هر کدام از این نیروها متناسب با مهارت و توانمندی‌ای که





داشتند، کاری را به عهده می گرفتند. بسیاری از فعالیت‌هایی که در مناطق عادی کشور انجام می‌شد، در جبهه هم وجود داشت؛ از قصابی و آشپزی و مکانیکی و رانندگی و آرایشگری رزمندگان تا فعالیت‌های تخصصی‌تر، مانند پزشکی و جراحی و پرستاری و مهندسی و غیر آن؛ اما این فعالیت‌ها در جبهه، با وجود شباهت ظاهری‌شان با پشت جبهه، رنگ و بوی دیگری داشتند. کسی که در جبهه حضور پیدا می‌کرد، در فضای جدیدی قرار می‌گرفت و فعالیت‌هایی که انجام می‌داد چنان با طعم معنوی و ایمانی آمیخته بود که تفاوت محسوسی با پشت جبهه داشت. افرادی که در جبهه بودند حتی با جدیت بیشتر درگیر همین فعالیت‌های دنیوی می‌شدند؛ اما کاملاً احساس می‌کردند که در حال انجام عبادت هستند. انگیزه آنها از انجام این فعالیت‌ها، دنیاگرایانه نبود، بلکه کارها را با انگیزه‌های الهی و آخرت‌گرایانه انجام می‌دادند؛ از این رو با وجود شور و حالی که در انجام این فعالیت‌ها داشتند، تعلق و وابستگی خاصی برای آنها ایجاد نمی‌کرد. هر لحظه ممکن بود محل فعالیت‌شان با سلاح‌های دشمن نابود شود یا وظیفه‌شان تغییر کند و به جای دیگری منتقل شوند. آنها بدون هرگونه تعلق خاطری، آمادگی هرگونه تغییر و تحولی را داشتند. چنین جامعه‌ای را می‌توان یک نمونه عینی از جامعه ایمانی دنیاپرداز دانست که به جای گوشه‌نشینی و ترک فعالیت‌های دنیوی، به‌طور کامل درگیر این فعالیت‌ها می‌شدند؛ ولی آنها را در ایمان خود جای می‌دادند و از این رو لحظه به لحظه زندگی‌شان حتی خواب و استراحتشان برای آنها طعم معنوی و ایمانی داشت. نمونه عینی دیگر از چنین جامعه‌ای مراسم پیاده‌روی در اربعین حسینی است. هر کس در این پیاده‌روی حضور پیدا می‌کند، به‌طور کامل با حال و هوای جدیدی مواجه می‌شود. فعالیت‌هایی که در مسیر پیاده‌روی انجام می‌شود، از قبیل پذیرایی، آشپزی، نظافت، آرایشگری، دوزندگی، پزشکی، پرستاری و مانند آن، گرچه ظاهری مشابه با فعالیت‌های روزمره دارند، به جهت مقاصد معنوی که در پس آنها وجود دارد، دارای هویتی تازه شده‌اند و انسان با انجام آنها نه تنها فکر نمی‌کند که از خدا و آخرت فاصله گرفته است، بلکه احساس نزدیکی و قرب بیشتر دارد.

با توجه به نمونه‌های بالا تفاوت میان یک جامعه ایمانی دنیاپرداز با جامعه‌های

دنیاگرا و دنیاگریز به خوبی هویدا می‌شود. در جامعهٔ ایمانی دنیاپرداز، فرد با ایمانی که خود را در انجام فعالیت‌های اقتصادی توانمند می‌یابد به جد وارد این فعالیت می‌شود؛ اما نه برای زراندوزی و جمع مال، بلکه با این قصد که بتواند نقش‌هایی را که خداوند به او داده است، به بهترین وجه ایفا کند. او معتقد است که عطا و بخشندگی، روزی‌رسانی به خلق، پاسخ به نیازها، گره‌گشایی و برطرف‌سازی مشکلات از صفات والای الهی است و خداوند به بندگانش در این دنیا فرصت داده است که آنها نیز این صفات را در محدودهٔ انسانی خود به ظهور برسانند. چنین فردی فعالیت‌های تولیدی و اقتصادی را جزء جدایی‌ناپذیر از عبادت و اطاعت خداوند می‌داند و دغدغهٔ انجام این فعالیت‌ها را در عمر کوتاه دنیایی خود دارد؛ زیرا معتقد است اگر در انجام این فعالیت‌ها کوتاهی کند نتوانسته است آن‌گونه که خداوند خواسته، نقش خود را در این دنیا ایفا کند و با شخصیتی ناقص از دنیا می‌رود؛ با این حال، تعلق خاطری به دنیا ندارد و همواره در حال و هوای ایمانی و اخروی به سر می‌برد. یک فعال اقتصادی در جامعهٔ ایمانی دنیاپرداز به تأمین نیازهای خود و اعضای جامعه به صورتی متوازن و متناسب می‌پردازد. او در تأمین نیازها، نه خود را کنار می‌گذارد و نه جامعه؛ زیرا کمال و زیبایی را در رشد همه‌جانبهٔ جامعه به صورتی معتدل و متوازن می‌بیند.

جامعهٔ دینی دنیاپرداز افزون بر بعد اقتصادی، در ابعاد دیگری نیز ویژگی‌های خاص خود را دارد. در این جامعه، افراد با ایمانی که استعداد مدیریت را در خود می‌بینند، در صدد شکوفا کردن این استعداد برمی‌آیند و معتقدند که باید این نعمت خدادادی را پاس بدارند و از آن، در جهت متناسب‌سازی روابط جامعه و اقامهٔ عدل به کار بندند. دلیل آنها برای ورود به فعالیت‌های مدیریتی و سیاسی نه اهداف دنیاگرایانه بلکه اجرای حدود الهی و به تناسب رساندن بخش‌های مختلف جامعه و زیباسازی آنهاست. آنها وظیفهٔ ایمانی خود می‌دانند که مطابق با ظرفیتی که خداوند به آنها داده است، جلوه‌ای از ربوبیت الهی را در عالم انسانی به نمایش بگذارند. یک مؤمن دنیاپرداز و توانمند در مدیریت برخلاف فرد دنیاگریز، بر خود روا نمی‌دارد که به بهانهٔ اهداف اخروی، مدیریت جامعه را کنار بگذارد؛ او چنین چیزی را ترک فعل و تضییع نعمت الهی می‌داند.





در بعد علمی نیز جامعهٔ ایمانی دنیاپرداز شاخصهٔ خود را دارد. این جامعه در همهٔ عرصه‌های علمی ورود جدی دارد. هدف از علم‌ورزی در این جامعه، افزون بر کمک به بهبود زندگی، کشف شگفتی‌های آفرینش و پی‌بردن به رمز و راز خلقت در ابعاد گوناگون است. فرد مؤمن دنیاپردازی که در خود، استعداد علمی خاصی مشاهده می‌کند، با جدیت تمام درصدد به‌کارگیری این استعداد برمی‌آید تا هم خود به جلوه‌هایی از آفرینش آگاه شود و هم به جامعه آگاهی بخشد. او آگاهی از چگونگی آفرینش را نوعی معرفت الهی قلمداد می‌کند و معتقد است که خداوند از او خواسته است که در این مسیر به مجاهدت علمی بپردازد و بر معرفت خود و جامعه بیفزاید.

حوزه‌های دیگر، از جمله حوزهٔ هنر و ورزش هم همین حکم را دارند. افرادی که توانایی هنری خاصی دارند، وظیفهٔ خود می‌دانند که با بهره‌وری از استعداد الهی خود در خلق بخشی از زیبایی‌های هستی مشارکت داشته باشند. آنها تلاش می‌کنند در قالب‌های هنری مختلف، از جمله شعر، نقاشی، داستان، آواز و نمایش، گوشه‌هایی از زیبایی آفرینش را به تصویر کشند. در ورزش هم هر فردی که مهارتی ویژه در خود می‌یابد، با تمرین و شکوفاسازی آن تلاش می‌کند به سهم خود، تجلی‌بخش قدرت و حکمت خداوند در نظام آفرینش باشد.

این نکته قابل توجه است که در جامعهٔ دینی ایدئال با رویکرد دنیاپردازانه، همهٔ فعالیت‌های دنیوی به‌صورتی بهتر، متقن‌تر و زیباتر از دنیای فعلی انجام می‌شود. همهٔ فعالیت‌ها رنگ و طعم الهی دارند و در حال‌وهوای معنوی صورت می‌پذیرند. از آنجا که انگیزه‌های مادی و سودجویانه وجود ندارد، دیگر خبری از تقلب و کلاهبرداری و سست‌کاری نیست. کارها در نهایتِ اتقان و استحکام ارائه می‌شوند. افزون بر این، در انجام این فعالیت‌ها تلاش می‌شود تناسب با مجموعهٔ هستی رعایت شود و همهٔ فعالیت‌ها تحت مدیریتی متوازن انجام گیرند؛ از این‌رو مسائلی، مانند مشکلات زیست‌محیطی امروزه کمتر به چشم می‌خورند. خلاصه آنکه، در چنین جامعه‌ای با دنیایی بسیار معنوی، پیشرفته و زیباتر از دنیای امروز مواجهیم؛ به گونه‌ای که هم با دنیای جامعهٔ مادی و دنیاگرا تفاوتی آشکار دارد و هم با دنیای یک جامعهٔ ایمانی دنیاگریز.

۶. مؤیدات دینی در نگاه اولیه

تا اینجا چگونگی دنیاپردازی مؤمنانه بر اساس نظریه تناسب وجودی و تفاوت آن با ایمان دنیاگرایان با توجه به نتایجی که بار می آورند، روشن شد. اکنون پرسش مهم این است که آیا از دیدگاه اسلام، جامعه ایمانی متمدن و به کمال رسیده جامعه ای دنیاگرایان است و اصل را بر ترک دنیا مگر در حد ضرورت قرار می دهد یا طرفدار رویکرد دنیاپردازانه است و برای انواع و اقسام فعالیت های دنیوی انسان ارزش قائل است و پدیدارشدن آنها را جزئی مهم از برنامه آفرینش می داند؟ بررسی تفصیلی دیدگاه اسلام در این زمینه، به مجالی وسیع نیازمند است. این مقاله بیشتر به طرح مسئله و زمینه سازی برای بررسی ذکرشده اختصاص داشت؛ باین حال، در پایان این نوشتار برخی مؤیدات اولیه بر رویکرد دنیاپردازی مؤمنانه بیان می شود.

بسیاری از آیات و روایات، دنیا را مورد نکوهش قرار داده و از وابستگی به آن برحذر داشته اند. این دسته از متون، چه بسا به مثابه مستندی برای تأیید دنیاگرایی برابر دنیاگرایی به شمار می روند؛ اما هنگامی که بتوان دو رویکرد دنیاگرایی و دنیاپردازی را با توصیفاتی که گذشت، از یکدیگر جدا کرد، می توان همه مذمت ها درباره دنیا را مذمت از دنیاگرایی و وابستگی به دنیا دانست، نه دنیاپردازی و پرداختن به دنیا به منزله بخشی ارزشمند از برنامه آفرینش. این برداشت، زمانی تقویت می شود که برابر این دسته از متون، آیات و روایاتی وجود دارند که به فعالیت های دنیوی با اهداف درست توصیه می کنند و برای آنها ارزش قائل اند. در ادامه، به مثابه نمونه، به بعضی شواهد از این دست اشاره می شود.

حضرت علی علیه السلام درباره تقابل دنیا و آخرت می فرمایند: «دنیا و آخرت، دو دشمن متفاوت، و دو راه جدای از یکدیگرند؛ پس کسی که دنیا را دوست داشته باشد و به آن عشق ورزد، به آخرت کینه ورزد و با آن دشمنی خواهد کرد. و آن دو همانند شرق و غرب از هم دورند، و رونده به سوی آن دو، هرگاه به یکی نزدیک شود، از دیگری دور می گردد، و آن دو همواره به یکدیگر زیان رسانند» (نهج البلاغه، حکمت ۱۰۳). با این حال، ایشان در مقابل کسی که دنیا را نکوهش کرد، می فرماید: «دنیا محل سجده دوستان





خدا، محل نماز ملائکه، محل نزول وحی الهی، و محل تجارت دوستان خداست که در آن، رحمت خدا را به دست می آورند و بهشت را سود می برند» (نهج البلاغه، حکمت ۱۳۱). ایشان دلیل نکوهش کردن آن فرد را این می داند که خود او به دنیا مغرور شده و فریب امور باطل خورده است (نهج البلاغه، حکمت ۱۳۱). از جمع این بیانات می توان نتیجه گرفت که دنیا هنگامی مذموم است که با آن به صورتی مستقل و فارغ از اهداف ایمانی و آخرتی تعامل کرد؛ اما هنگامی که کنار آخرت و به مثابه جزئی از مجموعه آفرینش لحاظ شود، زیبایی خاص خود را دارد و جزئی جدایی ناپذیر از جهان هستی می گردد.

به نظر می رسد که می توان با قراردادن مجموع آیات و روایات کنار یکدیگر، نتیجه گرفت که در اسلام از آخرت گرایی دنیا گریز و دنیا گرایی آخرت گریز نهی، و به دنیا پردازی آخرت گرا یا همان دنیا پردازی مؤمنانه توصیه شده است. اسلام از انسان می خواهد بدون تعلق و وابستگی به دنیا، آن را در فضای ایمانی و معنوی به طور کامل، پذیرا باشد و با هماهنگی ساختن دین و دنیا در مسیر واحد، برای تحقق اهداف الهی از آفرینش تلاش کند. آیه ۷۷ سوره قصص^۱ که شامل توصیه هایی از سوی خدا باوران به قارون دنیا گراست، رویکرد ایمانی درست به دنیا را به تصویر می کشد. بر اساس این آیه، انسان باید با آنچه خداوند در این دنیا برای او فراهم کرده است، آخرت خوبی برای خود بسازد و در مسیر ساختن آخرت نیک، سهمی را که خداوند در این دنیا به او داده است، فراموش نکند. پس در این آیه، صحبتی از ترک دنیا نیست، بلکه توصیه به به کارگیری دنیا با رویکرد آخرت گرایانه است. حضرت علی علیه السلام مزیت بهره وری از دنیا با محوریت تقوا را این می داند که اهل تقوا، هم از دنیای گذرا و هم از آخرت سود می برند. آنها با اهل دنیا در دنیایشان شریک می شوند؛ در حالی که اهل دنیا در آخرت با آنان شریک نمی گردند. اهل تقوا همانند دیگران از لذت های دنیایی برخوردارند و با وجود این، به دلیل جهت گیری صحیحشان توشه آخرت را فراهم و تجارتی پرسود می کنند (نهج البلاغه، نامه ۲۷). در نتیجه دنیا برای اهل تقوا، ارزش خاص خود را دارد. مطابق

۱. «و ابْتَغِ فِيمَا آتَاكَ اللَّهُ الدَّارَ الْآخِرَةَ وَلَا تَنْسَ نَصِيبَكَ مِنَ الدُّنْيَا؛ در آنچه خدا به تو عطا کرده است سراى آخرت را بجوى، و سهم خود را از دنیا فراموش مكن».

برخی روایات، تعبیر «وَلْنِعْمَ دَارُ الْمُتَّقِينَ» و سرای پرهیزکاران چه نیکوست» (نحل، ۳۰) در قرآن کریم، به دنیا اشاره دارد (بحرانی، ۱۹۹۵، ج ۳، ص ۴۱۹) و حاکی از آن است که دنیا برای انسان‌های باتقوا محل خوب و باارزشی است.

جهت‌گیری صحیح در فعالیت‌های دنیوی از نظر اسلام، بسیار اهمیت دارد و کسی که توازن و تناسب را در بهره‌وری از این فعالیت‌ها رعایت کند، در مرتبه بالایی از انسانیت و قرب الهی قرار می‌گیرد. مطابق روایتی از امام باقر (ع)، کسی که دنیا را طلب می‌کند تا هم نیازهای خودش برطرف شود و دست نیازش به‌سوی مردم نباشد، هم خانواده‌اش در آسایش و گشایش قرار گیرند و هم خیری به همسایگان و اطرافیانش برسد، روز قیامت با صورتی چون ماه شب چهارده، خداوند را دیدار می‌کند (کلینی، ۱۹۸۶، ج ۵، ص ۷۸). اساساً این توازن باید نسبت به دنیا و آخرت هم رعایت شود. امام صادق (ع) می‌فرماید: «از ما نیست کسی که آخرت را به‌خاطر دنیا یا دنیا را به‌خاطر آخرت ترک کند» (ابن‌بابویه، ۱۹۹۲، ج ۳، ص ۱۵۶). روزی نزد امام صادق (ع) از مردی سخن به میان آمد که در خانه خود نشسته و به نماز و روزه و عبادت مشغول است و می‌گفت روزی من خودش می‌رسد. امام (ع) فرمود: «او از کسانی است که دعایشان مستجاب نمی‌شود» (کلینی، ۱۹۸۶، ج ۵، ص ۷۷). از این نمونه روایات می‌توان نتیجه گرفت که دنیاگریزی و دنیاگرایی هردو مردودند و رویکرد درست، دنیاپردازی با جهت‌گیری صحیح و لحاظ همه جوانب، اعم از دنیا و آخرت به‌صورتی متناسب و متوازن است. انسان مؤمن انسانی است که به‌جای رشد تک‌بعدی، در همه ابعاد رشد کند و همه روابطش را اعم از رابطه با خود، خدا و دیگران به‌صورتی متناسب تنظیم کند. زیبایی یک موجود به آن است که هم خودش در جای متناسب قرار گیرد و هم در تناسب و هماهنگی با مجموعه هستی باشد.

زیبایی، مفهومی بسیار کلیدی است که می‌تواند در نوع تعامل ما با دنیا اثرگذار باشد و لازم است آموزه‌های دینی در این‌باره مورد توجه جدی‌تر ما قرار گیرند. مطابق آموزه‌های دینی، خداوند جهان هستی را زیبا آفریده است و از ما می‌خواهد که در زیباسازی جهان مشارکت داشته باشیم. البته زیبایی‌های این جهانی در سطحی بسیار





نازل تر از جهان آخرت هستند و چه بسا اصطلاح دنیا نیز اشاره به این سطح پایین داشته باشد؛ اما به هر حال سطحی از زیبایی وجود دارد و ما موظفیم به آن اهمیت دهیم. امام صادق (ع) در واکنش به سفیان ثوری که به لباس فاخر و گران بهایش ایراد گرفته بود، ضمن اشاره به ساده پوشی حضرت رسول (ص) و حضرت امیرالمؤمنین (ع) به جهت شرایط زمانی و حکومتی خاص، فرمودند: «شایسته ترین مردم به نعمت های دنیا ابرار و نیکان هستند و ما برای استفاده از این نعمت های الهی سزاوارتریم». مطابق این روایت، لباس زیرین امام لباسی زبر و خشن بود و فرمودند که این لباس را برای خودم پوشیدم و لباس رویی را برای مردم، برخلاف سفیان ثوری که لباس نرم و لطیف را در زیر برای خود پوشیده بود و لباس زبر و خشن را برای مردم تا نشان از بی اعتنائی او به دنیا باشد! (کلینی، ۱۹۸۶، ج ۵، ص ۴۴۲). روایاتی از این دست به ما می آموزند که اگر می خواهیم نفس خود را تربیت، و دلبستگی آن را به دنیا کم کنیم، باید آن را در خفا و خلوت خود انجام دهیم؛ و گرنه در انظار مردم وظیفه داریم که جلوه گر زیبایی ها و نعمت های الهی باشیم. حتی خداوند دوست دارد در پیشگاه او نیز زیبا ظاهر شویم. امام مجتبی (ع) در حالی که برای اقامه نماز بهترین لباسش را پوشیده بود، فرمود: «خداوند زیباست، زیبایی را دوست دارد و من خود را برای پروردگارم زیبا می کنم» (عیاشی، ۲۰۰۱، ج ۲، ص ۱۴).

در مجموع می توان نتیجه گرفت که آموزه های اسلامی از ما می خواهند که همه نعمت های خدادادی را در این دنیا پاس بداریم و پاس داشتن آنها به این است که خود را در معرض انجام و اظهار آنها قرار دهیم و به سهم خود، تجلی گر زیبایی های آفرینش باشیم. در قرآن کریم از زبان حضرت صالح (ع) به قومش آمده است که خدای یگانه را که جز او خدایی نیست، پرستش کنید؛ او خدایی است که شما را از زمین بیافرید و از شما خواست که به عمارت و آبادانی آن پردازید (هود، ۶۱).^۱ امام صادق (ع) می فرماید: «هرگاه خداوند به بنده خود نعمتی عطا کند و آن نعمت در وجود او به چشم خورد، او

۱. «وَإِلَى ثَمُودَ أَخَاهُمْ صَالِحًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ هُوَ أَنْشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا؛ وَهُوَ قَوْمُ ثَمُودَ، برادرشان «صالح» را (فرستادیم)؛ گفت: «ای قوم من! خدا را پرستش کنید که معبودی جز او برای شما نیست! اوست که شما را از زمین آفرید، و آبادی آن را به شما واگذاشت.»

حبیب خدا و بازگوکننده نعمت خدا نامیده می‌شود، و هرگاه خداوند به بنده‌ای نعمتی دهد و آن نعمت در وجودش نمایان نباشد، وی دشمن خدا و تکذیب‌کننده نعمت او خوانده می‌شود» (کلینی، ۱۹۸۶، ج ۶، ص ۴۳۸). ایشان نیز در حدیثی دیگر، دلیل اینکه خداوند دوست دارد بندگانش اظهار نعمت کنند، این می‌داند که خداوند زیباست و زیبایی را دوست دارد (کلینی، ۱۹۸۶، ج ۶، ص ۴۳۸).

مستندات دینی گوناگونی وجود دارند که می‌توان از آنها برای تأیید دنیاپردازی مؤمنانه با نگاه زیبایی‌شناسانه بهره برد که بررسی آنها نیاز به مجالی وسیع‌تر دارد. برای بررسی این مستندات می‌توان چندین مسیر بررسی را از یکدیگر تفکیک کرد. یکی از مسیرهای بررسی این است که وظیفه انسان باایمان را در مواجهه با دنیا از منظر اسلامی بررسی کنیم؛ آنگاه با فرض آنکه همه انسان‌ها به وظایفشان عمل کنند، تصویری از جامعه متشکل از آنها را به دست آوریم. مسیر دیگر توجه به چگونگی زیست انبیا و اولیای الهی، به‌ویژه پیامبر اسلام ﷺ و امامان معصوم علیهم‌السلام است. در این مسیر لازم است رویکرد عام پیامبران و امامان را فارغ از شرایط خاص زمانی و حکومتی به دست آوریم. اما مسیر دیگری که می‌تواند به فهم جامعه ایمانی نمونه، به‌طور مناسبی کمک کند، بررسی روایاتی است که ویژگی‌های زمان ظهور را بیان کرده‌اند. اگر از این منظر به بررسی روایات ظهور پردازیم می‌توانیم ابعاد مختلف یک جامعه متمدن اسلامی را به دست آوریم.

در روایات اسلامی ویژگی‌های مختلفی برای عصر ظهور بیان شده است؛ برای مثال بر اساس روایتی، پیشرفت علم در دوران ظهور قابل مقایسه با قبل از ظهور نیست و اگر علم به بیست و هفت قسمت تقسیم شود، تنها دو قسمتش قبل از ظهور آشکار می‌گردد و مابقی در زمان ظهور اتفاق می‌افتد (قطب‌الدین راوندی، ۱۹۸۶، ج ۲، ص ۸۴۱). در روایاتی دیگر، از دوران ظهور به مثابه دوران آبادانی و رفاه یاد شده است: «بر روی زمین، هیچ خرابی نخواهد بود، مگر اینکه آباد خواهد شد» (ابن بابویه، ۱۹۹۵، ج ۱، ص ۳۳۱). از این روایات می‌توان نتیجه گرفت که هرگونه تلاشی که سبب پیشرفت علمی و اقتصادی در دنیا شود، ذاتاً ارزشمند است و جزء اهداف آفرینش به شمار می‌آید. روایاتی دیگر ناظر به





رجعت انبیا و اولیای الهی است که پس از تشکیل حکومت جهانی حضرت مهدی (عج) اتفاق می‌افتد و بار دیگر پیامبران و امامان معصوم (علیهم‌السلام) به دنیا بازمی‌گردند تا تحقق بخش اهداف الهی روی زمین باشند. مسئله رجعت مسئله مهمی است. پیامبران و امامان از دنیا عبور کرده و به آخرت نیک رسیده‌اند. اگر تنها آخرت نیک معیار باشد، وجهی برای بازگشت آنها به دنیا وجود ندارد. به عقیده برخی اندیشمندان، یکی از دلایل رجعت، تکامل نفوس است که در همین دنیا اتفاق می‌افتد. به گفته آنها، گروهی از مؤمنان خالص از طریق بازگشت مجدد به این جهان، سیر تکاملی خود را ادامه می‌دهند، و شاهد و ناظر حکومت جهانی حق و عدالت هستند و در بنای این حکومت شرکت می‌جویند (مکارم شیرازی، ۱۹۹۵، ج ۱۵، ص ۵۵۹). با این تأملات، نمی‌توان دنیا را تنها محل عبوری دانست که ارزش پرداختن به آن ندارد و تا می‌توان باید از آن فاصله گرفت و به عبادت پرداخت تا امر حق فرا برسد، بلکه پرداختن به امور دنیوی با رویکرد ایمانی و آخرتی و تلاش برای پیشرفت در علم و آبادانی دنیا، اصالتاً دارای ارزش است و بخشی مهم از عبادت و اطاعت خداوند به شمار می‌آید و زمینه تکامل ما را فراهم می‌سازد.

دیدگاه رهبر معظم انقلاب، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، درباره عصر ظهور، وجه تأییدی بر آنچه بیان شد، است. ایشان با بیان اینکه تمدن حقیقی اسلامی و دنیای حقیقی اسلامی به صورت کامل، در دوران ظهور حضرت بقیه الله (عج) به وجود خواهد آمد، یکی از مشخصات این دوران را این می‌دانند که بشریت می‌تواند با فراهم بودن همه امکانات، راه خدا را با آسانی و سرعت بیشتری طی، و «از همه استعدادها موجود در عالم طبیعت و در وجود انسان به شکل بهینه استفاده کند» (خامنه‌ای، ۲۰۰۰، «الف»). به گفته ایشان، «دوره ولی عصر ارواحنفا ده دوره آغاز زندگی بشر است؛ دوره پایان زندگی بشر نیست. از آنجا حیات حقیقی انسان و سعادت حقیقی این خانواده عظیم بشری تازه شروع خواهد شد و استفاده از برکات این کره خاکی و استعدادها و انرژی‌های نهفته در این فضا، برای انسان، بدون ضرر، بدون خسارت، بدون نابودی و ضایع کردن، ممکن خواهد شد. [...] بشر از خیرات عالم، از انرژی‌های پنهان و از نیروهای نهفته در طبیعت، استفاده بی‌ضرر و بی‌خسارت می‌کند؛

استفاده‌ای که مایه رشد و پیشرفت انسان است. همه پیغمبران آمده‌اند تا ما را به آن نقطه‌ای برسانند که زندگی بشر تازه شروع می‌شود» (خامنه‌ای، ۲۰۰۰ «ب»).

نتیجه‌گیری

نتیجه‌ای که می‌توان از مجموع مباحث مطرح شده گرفت این است که دنیا به صورتی کاملاً هدفمند خلق شده و حضور انسان روی زمین، طبق برنامه‌ای حکیمانه است. روی گردانی از دنیا و خاموش ساختن استعدادها و ظرفیت‌های خدادادی خود برخلاف برنامه ذکر شده است و از سوی خداوند و اولیای دین نهی شده است. مطابق نظریه تناسب وجودی، فعالیت‌های دنیوی که در هماهنگی با جهان آخرت انجام گیرند، ارزش اصیل و ذاتی دارند و بخشی جدایی‌ناپذیر از زیبایی جهان را تشکیل می‌دهند. دنیای آرمانی از منظر دین مبین اسلام دنیایی است که در آن همه بشریت با ایمان به خدا و اعتقاد به آخرت، به شکوفاسازی استعدادهای خود اقدام می‌کنند و تمام تلاش خود را برای آبادانی دنیا و زیباسازی آن، به بهترین وجه ممکن انجام دهد. این تلاش باید در دایره ایمان و با رویکرد آخرت‌گرایانه انجام شود و از هر گونه وابستگی به دنیا که به نقض عبودیت منجر شود، اجتناب گردد. در نتیجه برای رسیدن به تمدن نوین اسلامی، لازم است بر رویکرد دنیاپردازی مؤمنانه تأکید شود و با برداشت‌های دنیاگريزانه از اسلام به‌طور جد، مقابله گردد.



فهرست منابع

* قرآن کریم

** نهج البلاغه

ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۹۹۲). من لایحضره الفقیه (مصحح: علی اکبر غفاری، ج ۳). قم: انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمی قم.

ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۹۷۵). کمال الدین و تمام النعمه (مصحح: علی اکبر غفاری، ج ۱). تهران: دار الکتب الاسلامیه.

ابن شعبه حرانی، حسن بن علی. (۲۰۰۳). تحف العقول (مترجم: صادق حسن زاده). قم: انتشارات آل علی علیه السلام.

باقرزاده خیای، فاطمه؛ آقایی زاهد، رضا؛ رضانی، علی. (۲۰۲۲). تقابل عرفان زاهدانه و عاشقانه در تذکره الاولیای عطار نیشابوری. فصلنامه علمی - پژوهشی عرفان اسلامی، ۱۹(۷۱)، صص ۳۷۵-۳۹۳.

بحرانی، سید هاشم بن سلیمان. (۱۹۹۵). البرهان فی تفسیر القرآن (ج ۳). قم: موسسه بعثه جعفری، محمد تقی. (۲۰۲۲). زیبایی و هنر از دیدگاه اسلام (تدوین و تنظیم عبدالله نصری، به سفارش مؤسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری، چاپ چهارم). قم: انتشارات ارمغان طوبی.

خامنه‌ای، سید علی. (۲۰۰۰ «الف»). بیانات در جمع اساتید، فضلا و طلاب حوزه علمی قم در مدرسه فیضیه. بازیابی شده در ۱۴ مهر، از

<https://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=2634&p=6#47380>

خامنه‌ای، سید علی. (۲۰۰۰ «ب»). بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم در سالروز عید سعید غدیر خم. بازیابی شده در ۲۴ اسفند، از

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3056>



عطار نیشابوری، شیخ فریدالدین. (۲۰۱۸). تذکره الاولیاء (مصحح: محمد استعلامی، چاپ بیست و هشتم). تهران: انتشارات زوار.

عیاشی، محمد بن مسعود. (۲۰۰۱). تفسیر العیاشی (محقق و مصحح: سید هاشم رسولی محلاتی، ۲ جلد). تهران: المطبعة العلمیه.

قطب الدین راوندی، سعید بن هبه الله. (۱۹۸۶). الخرائج و الجرائح (ج ۲). قم: مؤسسه امام مهدی (عج).

کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۹۸۶). الکافی (مصحح: علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، ج ۵ و ۶). تهران: دار الکتب الاسلامیه.

مبینی، محمدعلی. (۲۰۲۴). دیدگاه علامه جعفری درباره ارزش اخلاقی و امتدادسنجی آن در نظریه تناسب وجودی. فصلنامه علمی - پژوهشی اندیشه فلسفی، ۴(۳)، صص ۲۸۱-۲۹۹.

مبینی، محمدعلی. (۲۰۱۳). تناسب و سازگاری وجودی به منزله ارزش بنیادین. فصلنامه علمی - پژوهشی نقد و نظر، ۱۸(۱)، صص ۲-۳۳.

مبینی، محمدعلی. (۲۰۲۰). خدا، ارزش، عقلانیت: گامی به سوی نظریه تناسب وجودی در باب ارزش. قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

محرمی، رامین؛ میرزایی ماهر، پریسا. (۲۰۱۸). دنیاستایی و دنیاستیزی در الهی نامه و اسرارنامه عطار نیشابوری. نخستین همایش بین المللی زبان فارسی و اندیشه ایرانی - اسلامی درباره فریدالدین عطار نیشابوری: زندگی، آثار و افکار.

مطهری، مرتضی. (۲۰۰۲). اسلام و نیازهای زمان (ج ۱، چاپ نوزدهم). تهران: مؤسسه انتشارات صدرا.

مکارم شیرازی، ناصر. (۱۹۹۵). تفسیر نمونه (ج ۳ و ۱۵). تهران: دارالکتب الاسلامیه.



References

* The Holy Quran

** Nahj al-Balagha

Attar of Nishapur, Sheikh Farid al-Din. (2018). *Tazkirat al-Awliya* (Edited by Mohammad Este'lami, 28th ed.). Tehran: Zavvar Publications. [In Persian]

Ayyashi, Muhammad ibn Mas'ud. (2001). *Tafsir al-Ayyashi* (Researcher and editor: Sayyid Hashim Rasooli Mahallati, Vol. 2). Tehran: Al-Matba'ah al-'Ilmiyyah. [In Persian]

Bagherzadeh Khiyavi, Fatemeh; Aghayari Zahed, Reza; Ramazani, Ali. (2022). "The Opposition of Ascetic and Loving Mysticism in Attar of Nishapur's *Tazkirat al-Awliya*." *Journal of Islamic Mysticism*, 19(71), pp. 375-393. [In Persian]

Bahrani, Sayyid Hashim ibn Sulayman. (1995). *Al-Burhan fi Tafsir al-Quran* (Vol. 3). Qom: Bi'that Institute. [In Persian]

Ibn Babawayh, Muhammad ibn Ali. (1992). *Man La Yahduruhu al-Faqih* (Edited by Ali-Akbar Ghaffari, Vol. 3). Qom: Islamic Publications, affiliated with the Association of Teachers of the Qom Seminary. [In Arabic]

Ibn Babawayh, Muhammad ibn Ali. (2016). *Kamal al-Din wa Tamam al-Ni'mah* (Edited by Ali-Akbar Ghaffari, Vol. 1). Tehran: Dar al-Kutub al-Islami. [In Arabic]

Ibn Shu'ba Harrani, Hasan ibn Ali. (2003). *Tuhaf al-Uqul* (Translated by Sadegh Hasan-zadeh). Qom: Aal-e Ali Publications. [In Persian]

Ja'fari, Mohammad-Taqi. (2022). *Beauty and Art from the Perspective of Islam* (Compiled and arranged by Abdullah Nasri, commissioned by the Allameh Ja'fari Foundation, 4th ed.). Qom: Armaghan-e Touba Publications. [In Persian]

Khamenei, Sayyid Ali. (2000 "A"). "Speeches in a gathering of professors, scholars, and seminary students in Qom's Feyziyeh School." Retrieved on October 6, from <https://B2n.ir/ge4654>. [In Persian]

- Khamenei, Sayyid Ali. (2000 "B"). "Speeches during a meeting with various groups of people on the anniversary of Eid al-Ghadir." Retrieved on March 14, from <https://B2n.ir/sx7699>. [In Persian]
- Kulayni, Muhammad ibn Ya'qub. (1986). *Al-Kafi* (Edited by Ali-Akbar Ghaffari and Muhammad Akhundi, Vols. 5 & 6). Tehran: Dar al-Kutub al-Islami. [In Arabic]
- Makarem Shirazi, Naser. (1995). *Tafsir-e Nemouneh* (Vol. 15). Tehran: Dar al-Kutub al-Islami.[In Arabic]
- Moharrami, Ramin; Mirzai Maher, Parisa. (2018). "Praising and Condemning the World in Attar of Nishapur's *Ilahi-nama* and *Asrar-nama*." First International Conference on the Persian Language and Iranian-Islamic Thought on Farid al-Din Attar of Nishapur: Life, Works, and Ideas. [In Arabic]
- Motahari, Morteza. (2002). *Islam and the Needs of the Time* (Vol. 1, 19th ed.). Tehran: Sadra Publications Institute. [In Arabic]
- Mobini, Mohammad-Ali. (2013). "Existential Proportionality and Compatibility as a Foundational Value." *Journal of Criticism and Opinion*, 18(1), pp. 2-33. [In Arabic]
- Mobini, Mohammad-Ali. (2020). *God, Value, Rationality: A Step Towards the Theory of Existential Proportionality on Value*. Qom: Islamic Sciences and Culture Research Institute. [In Arabic]
- Mobini, Mohammad-Ali. (2024). "Allameh Ja'fari's View on Moral Value and Its Extension in the Theory of Existential Proportionality." *Journal of Philosophical Thought*, 4(3), pp. 281-299. [In Arabic]
- Qutb al-Din Ravandi, Sa'id ibn Hibatullah. (1986). *Al-Khara'ij wa al-Jara'ih* (Vol. 2). Qom: Imam Mahdi Institute.[In Arabic]

